



پرتو حقیقت: خداشناسی و اعتقادات

- ۱۹۳۱ ادبیات و زبانها :: نشریه حافظ :: بهمن و اسفند ۰۰۱
۵۲ از ۷۲ شماره

آدرس : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۹۵۷۹۹۶> تا
ثابت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده‌است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد.

بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

پرتو حقیقت: خداشناسی و اعتقادات

معظم - دامت برکاته - بود موجب نهایت تشکر گردید و معذرت می‌طلبیم که به واسطه‌ی بیماری و بستری بودن و سپس برای گذراندن دوره نقاهت در مسافرت در عرض تشکر و جواب تأخیر روی داد و موجب انفعال گردید.

گذشته از آن بواسطه کهولت و پیری قوای سامعه و باصره و حافظه در نهایت ضعف [است] و به زحمت می‌توانم مطالعه [کنم] یا [چیزی] نویسم. معذک کتاب پرتو حقیقت که مناسب بود به نام «بیان حقیقت» نامیده شده باشد بهترین داروی تألمات روحی و جسمی حقیر گردید. می‌توان عرض کرد که تألیفی چنین جامع که شامل حقایق اسلامی با دلایل کافی مناسب با زمان حال باشد، به رشته‌ی تحریر

و اعتبار، موجب عفو و بخشش این شرمسار... که در تمام مدت هشتاد و پنج سال عمر خود کوچک‌ترین عملی صالحی ننموده [...] گردد.^۲

جذبی، نامه‌ی حاضر را پس از آن که من در تابستان ۱۳۴۹ نسخه‌ای از کتاب پرتو حقیقت در خداشناسی و اعتقادات اسلامی از تالیفات پدرم (سید علینقی امین)^۳ را برای او فرستادم، در مهرماه ۱۳۴۹ (یعنی درست ۴۲ سال پیش) به من نوشت.

۲- متن نامه

جناب آقای سید حسن امین وفقک الله عرض می‌شود: زیارت تعلیق شریفه که ضمیمه کتاب پرتو حقیقت [= خداشناسی و اعتقادات اسلامی] تألیف حضرت مستطاب حجت‌الاسلام ابوی



۱- سید هبه‌الله جذبی ۲- حضرتی (سینی به دست) ۳- حاج محمدصادق سعیدی (معین‌التجار) ۴- حاج محمدعلی امینی (شهردار بیدخت) ۵- حاج شیخ محمدحسن صالح علیشاه گنابادی ۶- دکتر سعادت (با تشکر از سید آقا امیر اسیری، شاعر و عارف کرمانشاهی)



□ ۱- مدخل

شادروان سید هبه‌الله جذبی از مشایخ فاضل مرحوم صالح علیشاه گنابادی بود و یکی از اولین مقاله‌ها در معرفی سلسله‌ی درویشان گنابادی در ۱۳۳۸ به قلم او نوشته شده بود.^۱ نوشتار خود او در پایان کتاب نامه‌های صالح (چاپ اول، ۱۳۴۵)، برای معرفی وی کفایت می‌کند:

«این ذره‌ی بی‌مقدار و گرفتار نفس غدار، از اوائل جوانی و ۶۵ سال قبل که به شرف آستانه‌بوسی حضرت پیر بزرگوار - رضوان الله علیه - موفق شده با توفیق و تأیید پروردگار، به استنساخ تالیفات بزرگان و به دست آوردن مکتوبات آنان، با عشق و اشتیاق فراوان، اشتغال ورزید و بسیاری از مکاتیب آنان را استنساخ نمود و مخصوصاً در تحصیل نامه‌های قطب‌الاقطاب و لب‌الالباب مرحوم آقای صالح علی‌شاه - طاب ثراه - جد کافی و سعی وافق نمود و با زحمت و جدیت زیاد، مقداری از آن‌ها را به دست آورد و در سال ۱۳۸۶ قمری (۱۳۴۶ شمسی) [...] به حلیه‌ی طبع رسانید [...] امیدوار از کرم پروردگار... این خدمت بی‌ارزش

نیامده که برای همه خاصه جوانان دانشگاهی این دوره نافع و مفید و ناسخ عقاید مادیون - که سهم آگین و هلاکت کننده است - می باشد. جوانان غرب زده با مختصر اطلاعات علوم جدید و معاشرت با اشخاص فاسدالعقیده به کلی از عقاید حقه اسلامیة منصرف و مانند مشرکین دوره ی جاهلیت این عقاید حقه را افسانه و عقاید خرافیه تصور می نمایند. این کتاب، با لسان جدید جوانان، عقاید حقه و بیانات قرآنی و فرمایشات پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) را به طور واضح و با ادله دندان شکن و قاطع بیان و تشریح نموده بزرگترین خدمت را در پیشگاه الهی و پیغمبر اکرم (ص) انجام داده اند و وسیله ی رضایت و عنایت حضرت قائم عجل الله فرجه گشته است.

شماره‌ی ۱۰۰ - بهمن و اسفند ۱۳۹۱

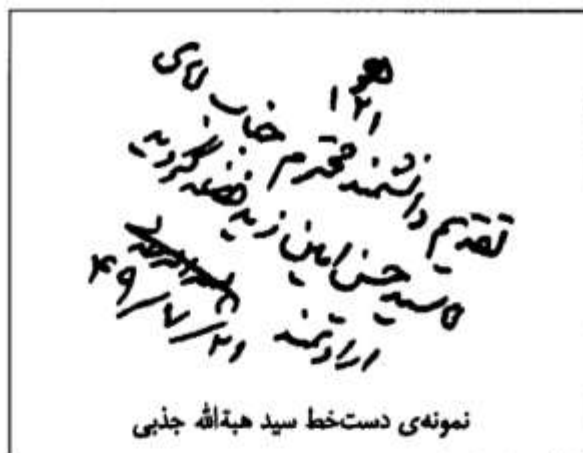
جناب عالی سپید حسن امین و قلمک اله

لوحه ۱۵/۸
عضو موجود

(ب) طریقی

تھران پارس خیاں بہار جب سحر صبح منزل حضرت ابراہیمؑ

ز هوش رفت از این غم هر آن که هوشش بود
 چو خم به جوش در افتاد هر می آشامی
 چو کُنج مصطبه از پیر عشق خالی ماند
 خواص را به سر افتاد شورش عامی
 پرید طایر قدسی به شاخسار جنان
 بیافت صالح علی شاه از حق انعامی
 چو ارجعی به خطاب آمدش، در آتش شوق
 فکند خرقة که بودش خجسته پیغامی
 مرید مردمی ناکام نامرادی باش
 که نامرادی را دانند بهترین کامی



۳- ذیل

کتاب نامه‌های صالح که نخست در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید، شامل یک مقدمه و سه فصل بود. مقدمه به شرح حال مرحوم حاج شیخ محمدحسن بیچاره گنابادی معروف به «صالح علیشاه» - والد مرحوم سلطان حسین تابنده (مؤلف چندین کتاب ارزنده از جمله تاریخ گناباد) و جناب آقای دکتر نورعلی تابنده (قاضی دادگستری) - اقطاب سابق و لاحق سلسله‌ی نعمة‌اللهی گنابادی - اختصاص داشت. فصل اول، شامل اجازه‌ها و فرمان‌های طریقتی و فصل دوم، نامه‌های مرحوم صالح علی شاه بود. فصل سوم هم در بردارنده‌ی اشعاری از ابوالحسن ورزی، صابر کرمانی، فضل‌الله دانشور علوی، محمدحسن کاردان، سید ابوالقاسم سَری، پرویز صدقی، دکتر نعمت‌الله تابنده، علی احمدی کرمانی و... در سوک مرحوم صالح علیشاه بود. این بخش، شامل قطعه‌ی رثائی‌ای نیز اثر صاحب این قلم است که من آن را در مرداد ماه ۱۳۴۵ در تهران سروده‌ام و در ۱۳۴۶ در فصل سوم کتاب نامه‌های صالح (چاپ اول، ص ۲۱۸) چاپ شده است و اکنون به یادگار در این جا تجدید چاپ می‌شود.

فغان که رهبر عرفان ز دست رفت و نماند

ز رسم و راه طریقت، جز اسمی و نامی

ز هم گسیخت مساق صفوف دُرَدکشان

فرو شکست دل از فرقت دل آرامی

یکی که مرد خدا بود و پیر اهل صفا

بشد به بحر فنا غرقه، تا بزد جامی

نه عارفان را جز خامشی هنر هر روز

نه عامیان را جز گریه کار هر شامی

پی‌نوشت‌ها

- ۱- جذبی، سید هبة‌الله، «سلسله نعمة‌اللهیه گنابادی»، سالنامه‌ی کشور ایران، ج ۱۴ (۱۳۳۸)، صص ۱۲۰-۱۳۰
- ۲- همو، نامه‌های صالح، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۸ (چاپ دوم)، صص ۲۵۱-۲۵۳
- ۳- برای مطالعه‌ی شرح حال و آثار زنده‌یاد سید علینقی امین، ر.ک. دایرة‌المعارف تشیع، ج ۹، ص
- ۴- مرحوم جذبی به همراه این نامه، کتاب اسرارالعشق (چاپ سوم، خرداد ۱۳۴۹) تألیف زنده‌نام اسدالله آذرگشسب گلیپایگانی (جذ منصور آذرگشسب وکیل دادگستری) را برای من فرستاد.

